

Research Article

Explorations of Aesthetic Signs in the Verses of the Holy Quran (A Case Study of Qasam and its Thematic Applications)

Mehرداد Aghaei^{1*}, Marzieh Zare Zardini²

Abstract

The Holy Quran with the title "Al-Ketab" includes important and valuable topics that are directly or indirectly involved in human life. Among the topics that God has addressed in the Holy Quran is the topic of swearing and related topics. The style of swearing, as one of the most frequent styles in the Holy Qur'an, is one of the ways of emphasizing and consolidating the speech. The Almighty God has mentioned cases of swearing in several verses of the Holy Qur'an, which indicate a special relationship between the person who recites the oath (God) and what is said, which is mentioned by oath. The higher the dignity and position of the reciter of the oath, it indicates the high importance of that matter. From the point of view of scholars, an oath is a sentence that emphasizes the news. One of the results of the research is that in the verses that swear by the Divine Essence, the purpose of this oath is to send divine messengers to complete the proof. Swearing in such verses in the form of narration and story shows the beauty of the use of swearing in the Qur'an. The degree of use of emphasis elements, of which the oath is the most prominent type, varies according to the surrounding factors, and this shows the aesthetics of the oath in the verses of the Qur'an, and what is called an oath should be more honorable and honorable than that. May the oath be remembered for that.

Keywords: Holy Quran, Grammar, Rhetoric, Aesthetics, Swearing Styles

How to Cite: Aghaei M, Zare Zardini M., Explorations of Aesthetic Signs in the Verses of the Holy Quran (A Case Study of Qasam and its Thematic Applications), Journal of Quranic Studies Quarterly, 2024;15(59): 49-67.

1. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran

2. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran

کاوش‌هایی از نشانه‌های زیباشناختی در آیات قرآن کریم (مطالعه موردی قَسم و کاربردهای موضوعی آن)

مهرداد آقائی^۱، مرضیه زارع زردینی^۲

چکیده

قرآن کریم با داشتن عنوان «الکتاب» متضمن مباحث مهم و ارزشمندی است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در زندگی انسان دخیل است. از جمله مباحثی که خداوند در قرآن کریم به آن پرداخته، مبحث قسم و مباحث مربوط به آن است. اسلوب قسم به عنوان یکی از اسالیب پربسامد در قرآن کریم، یکی از شیوه‌های تأکید و استوارسازی سخن است که خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم، مواردی از قسم را ذکر کرده که نشانگر ارتباط ویژه بین یاد کننده قسم (خداوند) و آنچه که بدان قسم یاد شده، است. هر چه شأن و مقام یادکننده قسم بالاتر باشد حکایت از اهمیت بالای آن موضوع دارد. از منظر علمای نحو قسم جمله‌ای است که با آن خبر مورد تأکید قرار می‌گیرد. از جمله نتایج پژوهش اینکه در آیاتی که به ذات اقدس الهی قسم یاد شده، هدف از این قسم، فرستادن رسولان الهی جهت اتمام حجت است. قسم در چنین آیاتی در قالب روایت و داستان گونه بیانگر جلوه زیبایی کاربرد قسم در قرآن است. میزان به کارگیری عناصر تأکید که قسم بر جسته-ترین نوع آن است، با توجه به عوامل پیرامونی متفاوت بوده و این نشان دهنده زیباشناسی قسم در آیات قرآن است و آن چیزی که به آن قسم یاد می‌شود باید ارجمندتر و شریفتر از آن چیزی باشد که به خاطر آن قسم یاد می‌شود.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، علم نحو، علم بلاغت، زیباشناسی، اسالیب قَسم

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

نویسنده مسئول: مهرداد آقائی

ایمیل: m.aghaci@uma.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

قسم یکی از شیوه‌های تأکید و استوارسازی سخن است، همان‌گونه که از دید دستور زبانی به این بعد از آن نگریسته می‌شود. بدرالدین زرکشی در مفصل‌ترین نوع از کتاب البرهان فی علوم القرآن که «اسالیب القرآن و فنونه البلیغة» نام دارد یکی از اسلوب‌های تأکید را قسم یاد می‌کند و در آغاز آن می‌نویسد: قسم در نزد نحویان جمله‌ای است که با آن خبر مورد تأکید قرار می‌گیرد. حتی آنها این گفتار خداوند متعال: «وَاللّٰهُ يَشْهَدُ اِنَّ الْمُنَافِقِيْنَ لَكَاذِبُوْنَ» (منافقون: ۱) را قسم شمرده‌اند؛ گرچه در آن اخبار از گواهی دادن خداوند بر کذب منافقان است، اما چون برای تأکید خبر آمده، قسم نامیده شده است (ابن یعیش، ۱۴۳۱: ۱۴۳). علامه طباطبائی درباره ماهیت قسم گفته است: «قسم آن است که خبر یا انشأ را به چیزی که دارای شرافت و آبروست به جهت ارج و اعتباری که دارد پیوند داده، مقید کنیم، به گونه‌ای که اگر خبر درست نباشد و در انشاء امر یا نهی امثال نشود، کرامت و شرافت آن چیز لطمه بخورد و باطل شود؛ مثلاً وقتی می‌گوییم: به جان خودم قسم که زید ایستاده است، صدق این سخن را به شرافت زندگی و عمر خود پیوند داده‌ایم، به طوری که اگر خبر ما دروغ باشد، عمر ما فاقد شرافت و ارزش شده است» (طباطبائی، ۱۳۹۷: ۲۵۱).

قسم بالاترین درجه تأکید در سخن است. آن چیزی که به آن قسم یاد می‌شود باید ارجمندتر و شریفتر از آن چیزی باشد که به خاطر آن قسم یاد می‌شود؛ زیرا معنی ندارد که کلام با چیزی تأکید شود که شرافت و ارزشش پایین‌تر از آن است (طنطاوی، ۱۴۲۶: ۱۴۸). در برخی از کتب علوم قرآن در تعریف قسم این گونه آمده است: قسم آن‌گونه که عالمان آن را شناسانده‌اند، به معنای ایجاد رابطه میان خودداری کردن نفس از چیزی یا اقدام بر آن است با امری که در نزد قسم یاد کننده بزرگ است، خواه در واقع آن عامر عظمت داشته باشد یا به اعتقاد وی چنین باشد (نقی پورفر، ۱۳۹۵: ۱۵۳). این تعریف گرچه از جهتی شبیه تعریف علامه است، اما جامعیت آن تعریف را ندارد، چرا که تنها شامل عقد یمین می‌شود که در آن برای انجام یا عدم ارتکاب امری در آینده قسم یاد می‌شود و قسم بر وقوع یا عدم وقوع کاری در گذشته را در بر نمی‌گیرد (السبحانی، ۱۴۱۶: ۱۶۶).

پیشینه پژوهش

با توجه به جستاری که به عمل آمد موضوع مطرح شده در این پژوهش تا به حال انجام نشده است، ولی برخی موضوعات مشابه و مشترک با آن کار شده که به آن‌ها اشاره می‌شود:

- پایان‌نامه‌ای با عنوان «قسم در قرآن کریم» توسط لیلا قلندری در دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین در سال ۱۳۹۲ نوشته شده است. محقق پس از استخراج سوگندهای موجود در قرآن کریم، آیات قسم را براساس مقسّم (کسی که سوگند یاد می‌کند) در پنج گروه (خداوند متعال، پیامبران، گروه

های مختلف انسانی، مخالفان و شیطان) مورد بررسی قرار می‌دهد و با بیان ابعاد لفظی و معنوی سوگندهای این کتاب عظیم و ذکر ارکان چهارگانه (مقسَم و فعل قسم، ادات قسم، مقسَم به و جواب قسم) در هر آیه و مشخص کردن نوع جواب قسم و در برخی مواقع بیان مخاطب آیه قسم راه را برای فهم بهتر و آسان تر معنای آیه هموار تر کند.

- مقاله‌ای با عنوان «ساختار قسم در زبان عربی و کاربرد آن در قرآن کریم» توسط غلامرضا کریمی فرد و حجت هاشمی شیرازی در مجله الجمعیه العلمیه الایرانیه للغه العربیه و آدابها سال ۱۳۸۶ شماره ۸ چاپ شده است. این مقاله بیانگر این است که قسم یکی از روش‌های تأکید در گفتار است و ناگزیر از داشتن خبر یا جوابی است که هدف از قسم را بیان کند. از جمله اسلوب‌هایی که در سخن به کار می‌رود تا متکلم کلام خود را موكد و حتمی سازد یا این که از طرف مقابل درخواست چیزی را کند که انجام دادن آن حتماست، استفاده از «اسلوب قسم» است. در زبان عربی برای بیان قسم ساختار ویژه‌ای معمول است.

- مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر سوگندهای قرآن» توسط محمد فاکر میبیدی در مجله پژوهش‌های قرآنی سال ۱۳۸۳ شماره ۳۷ و ۳۸ چاپ شده است. نویسنده به تعریف «قسم» از دیدگاه ادیبان، مفسران و حقوق دانان پرداخته و انواع سوگندهای قرآن را مورد بحث قرار داده است. وی سوگندهای قرآن را به دو دسته تقسیم می‌کند: ۱- سوگندهای التزامی ۲- سوگندهای تحقیقی. این نوشتار در حقیقت بیانگر گوشه‌ای از معارف ژرف قرآن کریم است.

- مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ساختاری قسم در قرآن کریم (بررسی بیست جزء قرآن کریم)» توسط سید محمد میرحسینی؛ نرگس انصاری و لیلا قلندری در مجله پژوهش‌های قرآنی سال ۱۳۹۳ شماره ۲ چاپ شده است. این پژوهش سعی داشته است با کشف ارتباط میان هر یک از ارکان قسم از یک سو و معنی و مخاطب از سوی دیگر، علت تفاوت ساختاری قسم را در ارتباط با عناصر ذکر شده بررسی و تحلیل نماید. محدوده پژوهش در بیست جزء آغازین قرآن بوده و پس از استخراج تمام نمونه‌ها و تفکیک آن‌ها بر اساس ارکان قسم و با روش توصیفی-تحلیلی و با ارائه نمودارهای آماری مورد تحلیل قرار گرفته است.

- مقاله‌ای با عنوان «معناشناسی قسم در قرآن کریم، رویکردی تاریخی و فرهنگی» توسط احمد پاکت‌چی در مجله مطالعات تاریخی قرآن و حدیث سال ۱۳۹۷ دوره ۲۴ شماره ۶۳ چاپ شده است. در این مقاله با ترکیبی از روش‌های معناشناسی تاریخی و معناشناسی فرهنگی معنای قسم بررسی می‌شود. پژوهش نشان می‌دهد که قَسَم در فرهنگ عرب عصر نزول، به سان برخی فرهنگ‌های دیگر بار معنایی منفی حمل می‌کرده است و معنایی بسیار نزدیک به نفرین و لعنت داشته است و از همین رو،

ترکیب «الْأَقْسِمُ» در قرآن کریم، باید با همان ترکیب نحوی ظاهری در آن، به سوگند نخوردن بازگردانده شود.

- مقاله‌ای با عنوان «بلاغت قسم در قرآن کریم» توسط عبدالغنی ایروانی زاده و علی محمدرضائی در مجله پژوهش در زبان و ادبیات عربی سال ۱۳۹۰ شماره ۵ چاپ شده است. این مقاله به طور فشرده، با رویکرد معجزه بودن قرآن کریم، ابتدا به بیان و بررسی نکات بلاغی این هماهنگی‌ها و تناسب‌ها در سوگندهای قرآن کریم می‌پردازد؛ سپس نظرات قرآن پژوهان درباره هدف و کارکردهای سوگندهای قرآن کریم را ذکر می‌کند.

سؤالات پژوهش

این پژوهش در صدد است تا به این دو سؤال پاسخ دهد:

- ۱- قسم چه عملی انجام می‌دهد و چه فرآیندی در آن رخ می‌دهد که موجب تأکید کلام می‌شود؟
- ۲- حقیقت قسم چیست و وجه تمایز آن با دیگر امور کدام است؟

ساختار و ماهیت قسم

در ساختار علم نحو، جمله قسم از دو بخش تشکیل می‌شود که این دو با همدیگر ترکیب شده و همانند یک جمله شده‌اند و مکمل یکدیگرند: جمله قسم و جمله جواب قسم. در این میان مقصود اصلی جمله جواب است که جمله قسم برای تأکید آن آمده است؛ به عنوان نمونه در آیات کریمه «لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ» (حجر: ۷۲)، جمله «إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ» جواب «لَعَمْرُكَ» است (ابن قیم الجوزیه، ۱۴۲۷: ۱۸۴). جمله قسم گاه فعلیه است همانند «والقرآن الحکیم» که فعل قسم آن که «أقسم» باشد محذوف است و گاه اسمیه است همانند «لعمرك» که مرکب از مبتدا و خبر است و خبر آن همیشه محذوف است و این گونه بوده است: «لَعَمْرُكَ قسمی» (ابن یعیش، ۱۴۳۱: ۱۲۳). در این مورد مبتدا نقش مقسم به را دارد در زبان عربی در قسم از چهار ماده: قسم حلف، ایلاء و یمین استفاده می‌شود و باء، واو، تاء و لام ادوات و حروف قسم هستند. جمله جواب قسم نیز از نظر دستور زبانی دارای ویژگی‌هایی است که تفصیل آن در آینده خواهد آمد (الفراهی، ۱۴۰۲: ۲۱۰).

اقسام قسم در قرآن کریم

خداوند متعال در آیات متعددی به مواردی از قسم یاد کرده که نشانگر ارتباط ویژه بین یادکننده قسم و آنچه که بدان قسم یاد شده، وجود دارد و هر چه شأن و مقام یادکننده قسم بالاتر باشد حکایت از اهمیت بالای آن موضوع دارد (الرازی، ۱۴۱۸: ۱۷۱). در اینجا مواردی از آن‌ها به اختصار معرفی می‌شود:

قسم به نام پاک خدا

این که خداوند متعال در جاهایی از قرآن کریم به نام پاک خودش قسم یاد کرده است، این نوع قسم بر چند دسته است:

قسم برای ارسال رسل

خداوند متعال برای اثبات حقانیت دین مبینی که به همراه پیامبرانش به سوی مردم فرستاده است به ذات پاک خود سوگند یاد می‌کند و می‌فرماید: «تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ وَليُّهُمْ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ (نحل: ۶۶).

- به خدا قسم، به سوی امت‌های پیش از تو پیامبرانی فرستادیم اما شیطان اعمالشان را در نظرشان آراست و امروز او ولی و سرپرستشان است و مجازات دردناکی برای آنهاست.
در این آیه، به ذات اقدس الهی که مستجمع جمیع صفات جمالیه و کمالیه است، قسم یاد شده و هدف از این قسم، فرستادن رسولان الهی جهت اتمام حجت است که بدون آن هیچ امتی عذاب نخواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶: ۱۸۹).

قسم برای وعده روزی

خداوند بلندمرتبه با ذکر نعمتهای آسمانی و زمینی به یکی از صفات عالی مرتبه خویش (رب) قسم یاد می‌کند و می‌فرماید: «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطُقُونَ»؛ (ذاریات: ۲۲ و ۲۳).

- و روزی شما در آسمان است و آنچه به شما وعده داده می‌شود! قسم به پروردگار آسمان و زمین که این مطلب حق است، همان گونه که شما سخن می‌گویید.
خدای متعال در این آیه به پروردگار آسمان و زمین قسم یاد کرده تا تأکیدی بر وعده روزی انسان‌ها و وعده بهشت باشد و مراد از رزق و روزی آسمانی، باران، خورشید، ماه، ستارگان و تمامی موجوداتی است که بقای آدمی بدان وابسته است (نقی پورفر، ۱۳۹۵: ۱۴۲).

قسم به جان پیامبر اکرم (ص)

جان پیامبر اکرم (ص) آن قدر برای خداوند متعال عزیز و گرامی است که در جایی از قرآن کریم به آن سوگند یاد می‌کند: «لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ»؛ (حجر: ۷۲).

- به جان تو قسم، این‌ها در مستی خود سرگرداندند (و عقل و شعور خود را از دست داده‌اند).
خطاب آیه به رسول اسلام صلی الله علیه وآله است و خداوند به جز او به جان کسی قسم یاد ننموده که این فعل جهت بزرگداشت آن جناب است. اهمیت و دلیل قسم با این عظمت، به خاطر مست بودن

قومی است که سرگردان غفلت‌ها و شهوات هستند، ناگهان عذاب الهی آنها را فرا گرفته و به هلاکت می‌رساند (زمخشری، ۱۴۲۷: ۴۲۲).

قسم به قرآن

خداوند متعال در آیات متعدد به خود قرآن با صفات مختلف قسم یاد کرده، از جمله: قرآن مجید (ق: ۱). صاحب ذکر (ق: ۱). مبین (دخان: ۲). و حکیم (یس: ۲) که به بیان یکی از آنها به اختصار می‌پردازیم: «وَالْقُرْآنُ الْحَکِیمُ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ» (یس: ۲ و ۳).
- قسم به قرآن حکیم که تو قطعاً از رسولان (خداوند) هستی.

حکمت، صفتی است که در مورد شخص عاقل و زنده به کار می‌رود و توصیف کردن قرآن به این صفت بیانگر این مطلب است که خداوند قرآن را موجودی زنده و عاقل بیان نموده؛ موجودی که می‌تواند درهای حکمت را به روی انسان‌ها باز کند و آنها را به راه راست هدایت نماید (الخفاجی، ۱۴۲۸: ۱۶۲). یادکرد قسم الهی به قرآن حکیم در حقیقت برای اثبات نبوت پیامبر اسلام و استدلال به رسالت ایشان با قرآن است؛ چرا که قرآن، معجزه ابدی و جاودانه پیامبر اسلام است که هیچ کس توانایی آوردن همانند آن را ندارد (أحمد بدوی، ۱۴۲۰: ۱۶۰).

قسم به فرشتگان

در سوره‌های متعددی از قرآن کریم، با صفات مختلفی به ملائکه قسم یاد شده که از طرفی مأموریت فرشتگان را در عالم هستی خبر می‌دهد، مانند آیات ۱-۵ از سوره نازعات: «وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا».

- قسم به فرشتگانی که (جان مجرمان را به شدت از بدن هایشان) برمی‌کشند و فرشتگانی که (روح مؤمنان) را با مدارا و نشاط جدا می‌سازند و قسم به فرشتگانی که (در اجرای فرمان الهی) با سرعت حرکت می‌کنند و سپس بر یکدیگر سبقت می‌گیرند و آنها که امور را تدبیر می‌کنند.

در این آیات، به ملائکه‌ای قسم یاد شده که مطیع امر الهی بوده و تدبیر عالم در دست آنهاست و آنان با اذن خدا به مسئولیت خویش پرداخته و تدبیرات خداوند را تحقق می‌بخشند (قطب، ۱۴۱۷: ۲۱۰). از جمله زیبایی قسم در این آیات حفظ فاصله (وزن آیات) است که با سجع خاصی بیان شده‌اند و نیز بکارگیری حرف (فاء عطف) به جای حرف (واو) قسم است که برای (السابقات) و (المدبرات) بکار رفته است تا تکرار زیاد حروف صورت نگیرد و این از جمله موارد زیباشناسی قرآن کریم در بحث قسم است.

قسم به انسان‌ها

در جای جای قرآن کریم به مواردی مربوط به انسان قسم یاد شده است که از جمله آنها می‌توان موارد زیر را ذکر نمود: قسم به جان آدمی (شمس: ۷)، قسم به پدر و فرزندش (حضرت ابراهیم خلیل (ع) و فرزندشان حضرت اسماعیل (ع))، (بلد: ۳)، قسم به وجدان و نفس آدمی و... در آیات متعدد بیان شده که یک نمونه از آن را به اختصار تبیین می‌کنیم: «لَا أُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَامَةِ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ»؛ (قیامت: ۲۰).

- به روز قیامت قسم نمی‌خورم و به نفس ملامت‌گر نیز قسم نمی‌خورم.
قسم به روز قیامت و قسم به (نفس لَوَّامه و) وجدان بیدار و ملامتگر (که رستاخیز حق است) (طنطاوی، ۱۴۲۶: ۹۴). این که به قیامت و نفس سرزنش‌کننده با هم قسم یاد شده، نمی‌تواند بی ارتباط باشد؛ چون با بلاغت و اعجاز قرآنی تناسب ندارد؛ اما ارتباطی که بین این دو وجود دارد، اینست که مراد از «قیامت»، قیامت کبری و رستاخیز الهی است و «نفس لَوَّامه» قیامت صغری و دادگاه وجدان بشری است و قسم به این دو در حقیقت برای برانگیختن و رسیدن بسزای اعمال انسانهاست (هاشم‌زاده هریسی، ۱۳۹۳: ۱۷۵). در این آیه خداوند به وجدان آدمی قسم یاد نموده که قیامت حق است و به دلیل عظمت و ارزش والایش که انسان را از غفلت بیدار کرده و از گناهان بازداشته و نجات می‌دهد.

قسم به اسبان دونده مجاهدان

گاهی خداوند متعال به برخی از پدیده‌های طبیعت و نشانه‌های خلقت خویش، به خاطر اهمیت و مهم بودن آنها در زندگی انسانها سوگند یاد می‌کند: «وَالْعَادِيَّاتِ صَبْحًا فَالْمُورِيَّاتِ قَدْخًا فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا»؛ (عادیات: ۱-۳).

- قسم به اسبان دونده (مجاهدان) در حالی که نفس‌زنان به پیش می‌رفتند و قسم به افروزندگان جرقه آتش (در برخورد شمه‌هایشان با سنگهای بیابان) و قسم به هجوم آوران سپیده دم.
خداوند با این قسمها می‌خواهد ما را به اهمیت جهاد و جایگاه رفیع آن در اسلام و ارزش فوق‌العاده‌اش آگاه سازد تا مسلمانان ذلت و خواری را از خود دور ساخته و عزت و عظمت خویش را به رخ جهانیان بکشند (زمخشری، ۱۴۲۷: ۴۲۸).

قسم به زمان

در این نوع از قسم به بخش‌هایی از اوقات و زمان‌های مهم در زندگی دنیوی و آخروی که برای انسان سرنوشت‌ساز و حیاتی است سوگند یاد شده است:

زمان‌های دنیوی

زمان در دنیا محدود است و برهه‌ی خاصی را در بر می‌گیرد؛ لذا خداوند متعال به زمان‌های مشخصی از شب و روز که برای همگان ملموس و مشهود است سوگند یاد نموده است، همچون قسم به شب هنگامی که سپری می‌شود (وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ) سوره (مدثر: ۳۳)؛ قسم به شب زمانی که تاریکی‌اش همه جا را فرا می‌گیرد (وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ) سوره (تکویر: ۱۷)؛ قسم به شب و آنچه که در خود جمع می‌کند (وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ) سوره (انشقاق: ۱۷)؛ قسم به شب‌های دهگانه ماه ذی الحجه (ولیل عشر) در سوره (فجر: ۲)؛ قسم به شب زمانی که روشنایی خورشید را می‌پوشاند (وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا) سوره (شمس: ۴)؛ قسم به شب که همه جا را می‌پوشاند (وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى) سوره (اللیل: ۱)؛ قسم به شب که زمان استراحت مردم است (وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى) سوره (ضحی: ۲) و قسم به روز در سوره‌های (لیل: ۲، شمس: ۳ و ضحی: ۱)؛ قسم به سپیده دم در سوره (انشقاق: ۱۶)؛ قسم به صبح در سوره‌های (تکویر: ۱۸ و مدثر: ۳۴) و قسم به زمان عصر و... که در قرآن یاد شده که در اینجا به شرح یکی از آن‌ها می‌پردازیم: «وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» (عصر: ۱ و ۲).

- قسم به عصر که انسان‌ها همه در زیانند.

در تفسیر کلمه «عصر» در این آیه آمده است که منظور از عصر، وقت عصر، سراسر زمان، تاریخ بشریت یا عصر ظهور پیامبر اسلام است که هر کدام دارای ویژگی و عظمت خاصی در تاریخ بشر بوده است (ابن قیم، ۱۴۲۷: ۱۲۹).

زمان‌های اخروی

این نوع از زمان مربوط به قیامت و آخرت است که یکی از زمان‌ها و دوران‌های مهم بشریت بوده و خدای متعال به آن روز و وقایع آن قسم یاد کرده است، از جمله: قسم به روز موعود (بروج: ۲) قسم به معاد جسمانی (مریم: ۶۸) قسم به سؤال از اعمال انسان‌ها (حجر: ۹۲ و ۹۳) قسم به بازخواست از بت پرستان (نحل: ۵۶) و قسم به خود روز قیامت، مثل آیه: «لَا أُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِيَامَةِ» (قیامت: ۱) - به روز قیامت قسم نمی‌خورم (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶: ۲۳۳).

قسم به مکان

خداوند در قرآن مکان‌هایی را مقدس شمرده و در مواردی به برخی از آنها قسم یاد کرده است که برخی از آن‌ها زمینی هستند و برخی آسمانی (نقی پورفر، ۱۳۹۵: ۱۹۴).

مکان‌های زمینی

از جمله مکان‌هایی که در قرآن کریم با قسم خوردن از آنها یاد شده است: قسم به کوه طور است که در سوره‌های (طور: ۱ و تین: ۲) آمده و قسم به دریای مملو در سوره (طور: ۵ و ۶)؛ قسم به مشارق و

مغارب در سوره (معارج: ۴۰)؛ قسم به بیت معمور در سوره (طور: ۴)؛ قسم به شهر مکه در سوره‌های (بلد: ۱ و تین: ۳) و غیره است. به یکی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: قسم به شهر «مکه» در حقیقت قسم به اقامتگاه پیامبر اسلام است: «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ»؛ (بلد: ۱ و ۲) - قسم به این شهر مقدس (مکه) شهری که تو در آن ساکنی. این تعبیر بیانگر آن است که شهر «مکه» به خاطر ولادت و اقامت آن حضرت در آن شهر شرافت پیدا نموده و مقدس شده است (طنطاوی، ۱۴۲۶: ۱۰۱).

مکان‌های آسمانی

یکی از نشانه‌های عظمت خدای سبحان در عالم هستی، آفرینش آسمان و کرات آسمانی است که خداوند متعال به برخی از این نشانه‌ها قسم یاد نموده؛ مانند: قسم به خورشید، (شمس: ۱) قسم به ماه، (شمس: ۲، مدثر: ۳۲ و انشقاق: ۱۷) قسم به ستاره، (نجم: ۱، واقعه: ۷۵ و تکویر: ۱۵) قسم به کره زمین، (شمس: ۶) قسم به آسمان در سوره‌های (بروج: ۱، شمس: ۵، طارق: ۱ و ذاریات: ۷) و... تا با قسم یاد کردن بر این‌ها بندگان را به تفکر و اندیشه درباره عالم خلقت وادار نماید. به یکی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ»؛ (بروج: ۱) - قسم به آسمان که دارای برج‌های بسیار است. مراد از بروج، ستارگان فروزان یا برج‌های تقویمی است. از آنجا که زندگی انسان‌ها با تقویم‌ها رابطه تنگاتنگی دارد و عالم هستی بر اساس نظم آفریده شده، بدین جهت خداوند به برج‌های آسمانی قسم یاد نموده است (معرفت، ۱۳۹۶: ۱۰۹).

قسم به میوه‌ها

قسم یاد کردن از میوه‌ها یکی از عجایب قرآن کریم و در عین حال یکی از زیبایی‌های خاص آیات قرآن است که باعث شگفتی همگان می‌شود: «وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ» (تین: ۱) - قسم به انجیر و زیتون. چه بسا در اینجا منظور از قسم به التین قسم به سرزمین شام و منظور از زیتون سرزمین بیت المقدس باشد. انجیر و زیتون دو میوه معروفی هستند که دارای خواص بسیاری بوده و خدای متعال بدانها قسم یاد نموده است (السبحانی، ۱۴۱۶: ۱۲۰).

تبیین قسم‌های قرآنی

در تبیین قسم‌های قرآن کریم چندین نوع قسم ذکر می‌شود:

قسم به ذات پاک خداوند

خداوند متعال به ذات احدیت خود قسم یاد می‌کند و می‌فرماید: «فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (حجر: ۹۲ و ۹۳)

- به پروردگارت قسم، که از همه آن‌ها از آنچه انجام داده‌اند، خواهیم پرسید.
در این آیه، هم (مقسم) قسم خورنده و هم (مقسم به) قسم خورده شده هر دو خداوند است، با این تفاوت که مقسم به، وصف ربوبیت است (ابوالفتوح، ۱۴۲۹: ۲۳۱). آنچه این قسم برای آن یاد شده است عبارت است از: سؤال از عملکرد افراد. خداوند به ذات و ربوبیت خویش قسم یاد می‌کند که از همگان سؤال و مؤاخذه می‌کند (السامرائی، ۱۴۳۶: ۱۹۲).
برای روشن شدن مفهوم آیه بالا، بازگشتی به آیات قبل از قسم ضروری است. قرآن پیش از اینکه این قسم را بیان کند، از گروهی به نام «مقتسمین» (تجزیه‌گران) نام می‌برد و می‌فرماید: «وَقُلْ إِنِّي أَنَا الَّذِي أُمِّيْتُ كَمَا أُنزِلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» (حجر: ۸۹-۹۱)
- و بگو: من بیم دهنده آشکارم، همان گونه که بر تقسیم‌کنندگان فرستادیم؛ همان‌ها که قرآن را تجزیه کردند.

قسم پیامبر الهی

حضرت ابراهیم (ع) برای شکستن بت‌ها به ذات پاک خداوند متعال قسم یاد کرده است: «وَتَاللَّهِ لَا كِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُولُوا مُدْبِرِينَ» (انبیاء: ۵۷)
- به خدا قسم نقشه‌ای برای نابودی بت‌هایتان در غیاب شما طرح نخواهم کرد.
در این آیه حضرت ابراهیم (ع) با شجاعت تمام و بدون هیچ واهمه‌ای قسم یاد می‌کند که بلایی بر سر بت‌های مشرکان و بت‌پرستان خواهد آورد. از این آیه چنین استنباط می‌شود که حضرت ابراهیم با قسم خوردن به اسم جلاله الله می‌خواهد به کافران متذکر شود که او یکتاپرست است و از توطئه آن‌ها هیچ باکی ندارد.

قسم مردم عادی

قرآن کریم درباره قسم خوردن سایر مردم غیر از انبیای الهی نمونه‌هایی ذکر کرده است، از جمله اینکه فرموده است: «قَالُوا لَنْ نُؤْثِرَكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» (طه: ۷۲)
- گفتند: به خدایی که ما را آفریده، ما هرگز تو را بر دلایل روشنی که به ما رسیده مقدم نخواهیم داشت. پس هر حکمی که صادر می‌کنی صادر کن که تو تنها می‌توانی برای این دنیای ما حکم صادر کنی.

ساحران فرعون قبل از مشاهده معجزه عصای حضرت موسی (ع) به فرعون ایمان داشتند و شاد و سرمست از این پیروی خود بودند، ولی وقتی که معجزه حضرت موسی را دیدند همگی در برابر پروردگار جهانیان سر تسلیم فرود آوردند و از فرعون روی تابیدند و به الله ایمان آوردند که با قسم خوردن به خدای هستی‌بخش، از فرعون تبری جستند.

قسم شیطان به عزت خداوند

یکی دیگر از قسم‌ها در قرآن، قسم خوردن شیطان است که به ذات مقدس خداوند متعال سوگند یاد کرده است: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَا غُورِيَهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ» (ص: ۸۲ و ۸۳).
- شیطان گفت: به عزت تو قسم، همه آنها را گمراه خواهم کرد؛ مگر بندگان خاص تو از میان آنها را.

شیطان با وجود اینکه دشمن خداوند است و از فرمان الهی برتابیده است، ولی با این وجود، به عزت خدا قسم می‌خورد که دست از دشمنی با خدا و بندگان او برندارد و این یکی از جلوه‌های عجیب و زیبای قسم است که حتی دشمن هم نمی‌تواند آن را انکار کند؛ چون بالاترین نوع قسم، سوگند به خداوند متعال است.

قسم ساحران به عزت فرعون

گاهی قسم به غیر خدا، برای تکیه بر قدرت و اظهار توانایی آن شخص است، چنان که ساحران دربار فرعون نیز می‌گفتند: «فَأَلْقُوا حِبَالَهُمْ وَعَصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ» (شعراء: ۴۴).
- آنها طناب‌ها و عصاهای خود را انداختند و گفتند به عزت فرعون، ما قطعاً پیروز و غالب هستیم.
در اینجا ساحران قبل از رویارویی با حضرت موسی (ع) و قبل از دیدن معجزه الهی، فرعون را بالاترین مقام و در حد خدا می‌پنداشتند، به همین خاطر صفت عزت را برای او بکار برده‌اند و به آن قسم خورده‌اند، ولی بعد از دیدن معجزه الهی همان عصای موسی (ع)، جملگی از گفته خود باز گشتند و به خدای متعال ایمان آوردند و یک صدا گفتند: «وَالَّذِي فُطَرْنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» (طه: ۷۲).

- سوگند که کسی که ما را آفریده است پس هر حکمی که صادر می‌کنی صادر کن که تو تنها می‌توانی برای این دنیای ما حکم صادر کنی.

چنانچه گفته شد، انسان وقتی به فطرت خود باز می‌گردد، به این حقیقت پی می‌برد که بالاتر از الله کسی نیست، همان‌گونه که ساحران به این حقیقت پی بردند و بلافاصله آن را در سوگند خود یاد کردند.

قسم اهل بهشت و دوزخ

قرآن کریم، افزون بر اینکه برخی از قسم‌های مردم در دنیا را نقل کرده، خبر از قسم آنان در آخرت، بهشت و دوزخ را نیز می‌دهد، که با توجه به اصناف سه گانه: مردم در دنیا و آخرت (مؤمن، کافر و منافق)، به یک نمونه آن اشاره می‌رود: خداوند سخن یکی از بهشتیان را نقل کرده می‌فرماید: «قَالَ تَاللَّهِ إِنِّي كَذْتُ لَكَ زَيْنٍ» (صافات: ۵۶)

- گفت: به خدا قسم، نزدیک بود مرا نیز به هلاکت بکشانی.
وقتی سخن از حقیقت به میان می‌آید، دیگر فرقی نمی‌کند که طرف مؤمن باشد یا کافر، همگی به یک اصل روی می‌آورند و در سوگند خود خدا را یاد می‌کنند.

قسم‌های تحقیقی

قسم تحقیقی، قسمی است که برای اثبات حق و یا ردّ مطلبی یاد می‌شود و بیشتر در بحث‌های حقوقی و قضاوت و گاهی نیز در مجادلات و مشاجرات به کار برده می‌شود.

قسم‌های تحقیقی خداوند

این نوع قسم در قرآن کریم بسیار متنوع و متعدد است. از جمله قسم خداوند به ذات مقدس خود، قسم خدا به پیامبر (ص)، و قسم به قرآن کریم و یا اشیاء گوناگون، که به بیان نمونه‌ای از آن می‌پردازیم: «إِن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ مَا أَنتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ» (قلم: ۱ و ۲).

- نون، قسم به قلم و آنچه می‌نویسد، به برکت این نعمت پروردگار تو مجنون نیستی.
خداوند متعال با یاد کردن از قلم و آنچه که با قلم به رشته تحریر در می‌آید، می‌خواهد به اهمیت و جایگاه ویژه قلم و صاحبان قلم و نیز نوشته‌هایشان در جامعه و زندگی روزمره انسان‌ها اشاره کند که قلم چقدر می‌تواند در سرنوشت انسان دخیل باشد. از آنجا که آفریننده قلم خود خداوند است و اولین صاحب قلم نیز خود خدای متعال است، این قضیه بسیار مهم جلوه می‌کند؛ چون که خدای متعال انسان را خلیفه و جانشین خود بر روی زمین قرار داده است و قدرت نوشتن را نیز به او بخشیده تا از آن در بهروزی و کامیابی و سعادت خود و دیگران بهره بگیرد.

قسم‌های تحقیقی پیامبر (ص)

در این بخش از قسم‌های قرآن، نوعی وحدت و یگانگی در همه ارکان آنها دیده می‌شود و در تمامی آنها پیامبر اکرم (ص) ربّ خویش را مورد قسم قرار داده و خطاب به کافران، وقوع قیامت را به طور حتمی یادآور شده است. از جمله در سوره یونس آمده است: «وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلُّ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ» (یونس: ۵۳)

- از تو می‌پرسند که آن «وعده مجازات الهی» حق است؟ بگو آری به پروردگارم قسم که حق است، و شما نمی‌توانید از آن جلوگیری نمایید.

کَفَّار که منکر وقوع قیامت بودند، به شکل‌های گوناگون با آن برخورد می‌کردند، از این رو چندان در آن اندیشه نمی‌کردند، قرآن به این حقیقت اشاره دارد و می‌فرماید: «بَلْ إِذَارَكُ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ»؛ - آنان اطلاع درستی درباره آخرت ندارند؛ بلکه در اصل قیامت شک داشتند؛ «بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا» (نمل: ۶۶) به همین دلیل آن را بعید می‌دانستند و می‌گفتند: «ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ» (ق: ۳)؛ این بازگشتی دور است. آن‌ها در پی انذار پیامبر، گاه از روی تعجب و گاهی از روی استهزاء و استفهام انکاری از پیامبر (ص) سؤال کرده بودند؛ «يَسْتَبْشِرُونَكَ أَحَقُّ هُوَ»؛ که آیا قیامت حقیقت دارد؟ در اینجا خداوند حکیم به پیامبر (ص) دستور می‌دهد تا در مقال آنها با تأکید زیاد و با قسم به اثبات سخن خود بپردازد. مقسم به در اینجا «رَبِّ» است و چنان که در اولین قسم نیز گفته شد، این وصف در قرآن کریم بیش از ۹۷۰ بار تکرار شده است که حکایت از گستره و اهمیت ویژه آن دارد، و با نگاهی گذرا به آن به خوبی روشن می‌شود که مهم‌ترین امور از خلقت گرفته تا تدبیر آن، از هدایت گرفته تا پاداش، همه و همه از شئون ربوبیت است و می‌توان گفت که این وصف، قائم مقام اسم مقدس الله است (الفراهی، ۱۴۰۲: ۲۶۳ و ۲۶۴).

قسم‌های تحقیقی مردم

در این بخش از قسم‌های قرآن، چهار قسم وجود دارد که همگی از زبان فرزندان و خاندان حضرت یعقوب (ع) است و ما یک نمونه از آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم: «قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ» (یوسف: ۷۳).

- برادران یوسف گفتند: به خدا قسم، شما می‌دانید که ما نیامده ایم که در این سرزمین فساد کنیم و ما هرگز دزد نبوده‌ایم.

چنانچه هویداست، برادران حضرت یوسف با وجود خطاکار بودن و ظلمی که در حق پیامبر خدا حضرت یوسف (ع) روا داشته بودند، ولی برای نشان دادن حقانیت خود به این قسم تحقیقی متوسل شده و سعی در رهانیدن خود از این مهلکه داشته‌اند.

زیباشناسی قسم در آیات قرآنی

قرآن کریم گنجینه‌ای گرانبها است که سرشار از انواع نشانه‌ها و نکات ظریف و دلنشینی است که با سیر و تفحص در ژرفای معانی آن می‌توان عوامل و نشانه‌هایی از زیبایی و جمال را به دست آورد که از ویژگی‌های آفرینش الهی در نظام هستی محسوب می‌شود که از آن جمله است:

هدف‌مندی

یکی از مبانی مهم زیبایی‌شناسی قرآن، تأکید بر هدف‌مندی است؛ چون اساس دعوت قرآن، هدایت و دل دادن مخاطب به پیام‌های الهی و معنوی است. نمی‌توان زیبایی و هنرمندی را صرفاً در قالب‌های محدود مادی و هنری آن تعریف کرد. به عنوان نمونه درباره داستان‌های قرآن آن‌گاه که از بعد هنری آن سخن گفته می‌شود و محتوای این داستان‌ها در قالب عبارات زیبا بر جسته می‌شود، به این معنا نیست که زیبایی آن در داستان‌سرایی و جلوه‌های ادبی و هنری آن موضوع زیبایی‌شناسی است، بلکه هدف از ذکر آن هدایت انسان و تأکید بر قدرت و توانایی بی‌نهایت پروردگار است (هاشم زاده هریسی، ۱۳۹۳: ۲۱۰). به عنوان مثال می‌توان به آیه ۶۳ سوره نحل چنین آمده: «تَاللّٰهِ لَقَدْ اَرْسَلْنَا اِلٰی اُمَمٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ اَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمْ الْيَوْمَ وَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ» به خدا قسم، به سوی امت‌های پیش از تو پیامبرانی فرستادیم اما شیطان اعمالشان را در نظرشان آراست و امروز او ولی و سرپرستشان است و مجازات دردناکی برای آنهاست! در این آیه، به ذات اقدس الهی که مستجمع جمیع صفات جمالیه و کمالیه است، قسم یاد نموده و هدف از این قسم، فرستادن رسولان الهی جهت اتمام حجت است که بدون آن هیچ امتی عذاب نخواهد شد. لذا وجود چنین آیاتی که بصورت داستان گونه و در قالب روایت است قسم یاد نموده و زیبایی‌شناسی قسم در این آیه بیانگر جلوه زیبایی کاربرد قسم در قرآن است.

تناسب و توازن

نظام آفرینش بر اساس هندسه دقیق و منظمی برپا شده است، این نکته را می‌توان در این آیات ملاحظه نمود: «البتة ما هر چیز را به اندازه آفریدیم»! (قمر: ۴۹). «و هر چیز نزد او مقدار معینی دارد» (رعد: ۸). «و همه چیز را آفرید، و به دقت اندازه‌گیری نمود»! (فرقان: ۲). «و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است»! (طلاق: ۲). «همان خداوندی که آفرید و منظم کرد، و همان که اندازه‌گیری کرد و هدایت نمود»! (اعلی: ۳ و ۲). همچنین زیبایی‌شناسی قسم را می‌توان در سوره تین یافت که توازن خاصی را دارد و آیات به صورت شعر گونه و با نظم خاصی در پی یکدیگر آمده‌اند، چنانچه، خداوند در سوره تین به چهار چیز قسم یاد می‌کند تا در نهایت بفرماید که، انسان را در بهترین شکل آفریده است؛ اما همین انسان با تمام نعمت‌ها و قدرت‌هایی که دارد به پایین‌ترین حد و مرحله کشیده می‌شود و تنها راه فرار از این مسیر، ایمان و عمل صالح است. این مطلوب و نکته، اصلی‌ترین پیام این سوره است که به حق، ارزش قسم خوردن خداوند را دارد، لذا توازن و تناسب قسم را می‌توان در این سوره دید.

چیدمان منظم و زیبا

یکی از نشانه‌های مهم چیده شدن یا نظم و ترتیب است که در قرآن به گونه‌های مختلف ذکر شده است: «و زمین را گسترديم و در آن کوه‌های ثابتی افکندیم و از هر گیاه موزون، در آن رویاندیم» (حجر: ۱۹). «این در حالی که بر تخت‌های صف کشیده در کنار هم تکیه می‌زند» (طور: ۲۰). «و بالش‌ها و پشتی‌های صف‌داده شده» (غاشیه: ۱۵). «غرفه‌هایی در بهشت دارند که بر فراز آن‌ها غرفه‌های دیگری بنا شده و از زیر آن‌ها نهرها جاری است» (زمر: ۲۰). همچنین از آنجایی که قرآن کریم به عنوان متنی ادبی، شیوه کلامی خود را با توجه به مقتضای حال مخاطبان و رعایت دقایق بلاغی تنظیم کرده است، چرا که هر مخاطب و بافتی، سبک گفتاری مخصوص خود را می‌طلبد. یکی از عناصر متنی که با توجه به مخاطب و از بافتی به بافت دیگر متغیر است، میزان به کارگیری عناصر تأکیدی است که متناسب با درجه انکار و یا قبول و تردید مخاطبان به کار می‌رود. در میان تأکیدات، قسم برجسته‌تر می‌نماید، اما ساختار جملات سوگندی یا قسم در قرآن نیز با توجه به عوامل پیرامونی متفاوت است و این نشان دهنده زیباشناسی قسم در آیات قرآن است.

تنوع و تضاد

در عین وحدت و یک پارچگی که بر نظام آفرینش حاکم است، تنوع و گونه‌گونی حیرت‌آوری نیز حاکم است که در انواع جمادات، نباتات و حیوان و انسان قرار دارد: «و در روی زمین، قطعاتی در کنار هم قرار دارد که با هم متفاوتند و (نیز) باغ‌هایی از انگور و زراعت و نخل‌ها، (و درختان میوه گوناگون) که گاه بر یک پایه می‌رویند و گاه بر دو پایه (و عجیب‌تر آنکه) همه آن‌ها از یک آب سیراب می‌شوند! و با این حال، بعضی از آن‌ها را از جهت میوه بر دیگری برتری می‌دهیم در این‌ها نشانه‌هایی است برای گروهی که عقل خویش را به کار می‌گیرند». (رعد: ۴). از زیباشناسی قسم به زمان‌های مختلف سپیده دم، چاشتگاه، عصر، غروب آفتاب، روز و شب می‌توان به سوره‌های فجر آیه ۱، شمس آیه ۱، عصر آیه ۱، انشقاق آیه ۱۷، شمس آیه ۴، نکویر آیه ۱۷ اشاره نمود که بیانگر تنوع و تضاد زیباشناسی قسم در آیات مختلف قرآن است.

تنوع زیبای رنگ‌ها

تعدادی از آیات قرآن نیز به رنگ‌های گوناگون اشاره دارد. قرآن از رنگ سبز به عنوان نعمت و خرمی و رنگی بهشتی یاد کرده و فرموده است: «بر اندام آنها (بهشتیان) لباس‌هایی است از حریر نازک سبز رنگ، و از دیبای ضخیم، و با دستبندهایی از نقره آراسته‌اند» (انسان: ۲۱). و از رنگ زرد به عنوان رنگی شادی آور. خداوند می‌فرماید: «گاوی باشد زرد یک دست، که رنگ آن، بینندگان را شاد و مسرور سازد».

نمونه رنگ‌ها و تنوع آن‌ها را می‌توان در سوره‌های نحل آیه ۱۳، فاطر آیه ۲۷ و ۲۸، زمر آیه ۲۱ ملاحظه نمود که در آیات یاد شده نیز می‌توان زیباشناسی قسم را در آیات یافت.

پیراستگی از عیوب

پیراستگی از عیوب یکی دیگر از نشانه‌های آفرینش الهی است نکته‌ای که قرآن در سوره ملک در هنگامی که به زیبایی آسمان توجه می‌دهد ذکر می‌کند: «همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی‌بینی! بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی؟» (ملک: ۳). پیراستگی از عیوب در آیات دیگری از قرآن نیز تأکید شده است که بیانگر زیباشناسی قسم در آیات قرآن است. (هاشم زاده هریسی، ۱۳۹۳: ۲۴۱).

نتیجه‌گیری

از پژوهش حاضر نتایج زیر حاصل آمده است:

۱- در آیاتی که به ذات اقدس الهی که دربردارنده صفات جمالیه و کمالیه خداوند است و قسم یاد شده، هدف از این قسم، فرستادن رسولان الهی جهت اتمام حجت است که بدون آن هیچ امتی عذاب نخواهد شد. قسم در چنین آیاتی که به صورت داستان گونه و در قالب روایت است بیانگر جلوه زیبایی کاربرد قسم در قرآن است.

۲- یکی از عناصر متنی که با توجه به مخاطب و از بافتی به بافت دیگر متغیر است، میزان به-کارگیری عناصر تأکیدی است که متناسب با درجه انکار و یا قبول و تردید مخاطبان بکار می‌رود. در میان تأکیدات، قسم برجسته‌تر از بقیه تأکیدات است، اما ساختار جملات سوگندی یا قسم در قرآن نیز با توجه به عوامل پیرامونی متفاوت است و این نشان دهنده زیباشناسی قسم در آیات قرآن است.

۳- قسم بالاترین درجه تأکید در سخن است. آن چیزی که به آن قسم یاد می‌شود باید ارجمندتر و شریفتر از آن چیزی باشد که به خاطر آن قسم یاد می‌شود.

۴- قطعاً خداوند از قسم‌هایی که در قرآن یاد نموده، مقصودی داشته است و دارای حکمتی است اگر چه خداوند نیازی به قسم ندارد، ولی قسم‌های قرآن فوایدی را دارا است که می‌توان به این موارد اشاره نمود:

۱- برای تأکید و بیان اهمیت اموری که خداوند برای آنها قسم یاد کرده (جواب‌های قسم) تا مردم در آن‌ها نیک بیندیشند و به آن‌ها اهمیت ویژه قائل شوند.

- ۲- برای متوجه کردن انسان به منافع و فوائد فراوان چیزهایی که به آن‌ها قسم یاد شده است مانند خورشید و ماه و ستارگان و شب و روز و حتی مثل انجیر و زیتون که آن‌ها وسیله رحمت و نعمتند و نشانه‌هایی بر یگانگی و وحدانیت خداوند و آثار قدرت نامتناهیش در آن‌ها نمودار است.
- ۳- برای بیان واقعیت داشتن اموری که مورد انکار یا شک و تردید مردم است، مانند قسم به قیامت و فرشتگان و وجدان انسان و امثال آن‌ها.
- ۴- برای تعظیم و تکریم اعمال خیر و شایسته تا مردم به انجام آن‌ها تشویق و ترغیب شوند، مانند قسم به اسبان مجاهدان و اوقات فریضه حج و امثال آن.

منابع

قرآن کریم

- ابن قیم الجوزیه، محمد بن أبی بکر (۱۴۲۷). **التبیان فی أقسام القرآن**. القاهرة: الناشرین مطبعة الحجازی.
- ابن بعیش، موفق الدین علی بن بعیش (۱۴۳۱). **شرح المفصل**. القاهرة: الناشرین مكتبة المشي.
- ابوالفتح، محمدحسین (۱۴۲۹). **اسلوب التوکید فی قرآن الکریم**، لبنان: الناشرین مكتبة لبنان.
- أحمد بدوی، أحمد (۱۴۲۰). **من بلاغة القرآن**. القاهرة: الناشرین مطبعة نهضة.
- ایروانی‌زاده عبدالغنی و علی محمدرضائی (۱۳۹۰). «بلاغت قسم در قرآن کریم» **مجله پژوهش در زبان و ادبیات عربی**، شماره ۵.
- البقالانی، أبوبکر محمد بن الطیب (۱۴۳۳). **إعجاز القرآن**، القاهرة: الناشرین دار المعارف.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۷). «معناشناسی قسم در قرآن کریم، رویکردی تاریخی و فرهنگی» **مجله مطالعات تاریخی قرآن و حدیث**، دوره ۲۴ شماره ۶۳.
- الخفاجی، الأمير أبی محمد بن عبدالله بن سنان (۱۴۲۸). **سر الفصاحه**، دار الکتب العلمیة، بیروت: الناشرین.
- الرازی، فخرالدین (۱۴۱۸). **مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)**، بیروت: الناشرین دار الکتب العلمیة.
- زمخشری، محمود (۱۴۲۷). **تفسیرالکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، بیروت: الناشرین دارالکتب العربی.
- السامرائی، فاضل (۱۴۳۶). **التعبیر القرآنی (الطبعة الأولى)**، بیروت: الناشرین مطابع جامعة الموصل.
- السبحانی، أبو محمد (۱۴۱۶). **المنزع البدیع فی أسالیب البدیع**، بیروت: الناشرین مكتبة دار التراث.
- الطباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۷). **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت: الناشرین دار الکتب الإسلامیة.
- طنطاوی، الجواهر (۱۴۲۶). **سوگندهای قرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عبدالرحیم، عبدالجلیل (۱۴۳۷). **لغة القرآن الکریم**، عمان: الناشرین مكتبة الرسالة الحديثة.
- الفراهی، عبدالحمید (۱۴۰۲). **إمعان فی أقسام القرآن**، القاهرة: الناشرین المطبعة السلفية ومكتبها.
- قطب، سید محمد (۱۴۱۷). **فی ظلال القرآن**، بیروت: الناشرین دار الإحياء التراث العربی.
- قلندری، لیلا (۱۳۹۲). «قسم در قرآن کریم» پایان نامه دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین.

- کریمی فرد، غلامرضا و حجت هاشمی شیری (۱۳۸۶). «ساختار قسم در زبان عربی و کاربرد آن در قرآن کریم» **مجله الجمعیه العلمیه الایرانیه للغه العربیه و آدابها** شماره ۸.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۹۶). **علوم قرآنی**، تهران: انتشارات سمت.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۶). **تفسیر نمونه**، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- میبدی، محمدفاکر (۱۳۸۳). «تحلیلی بر سوگندهای قرآن» **مجله پژوهش‌های قرآنی**، شماره ۳۷ و ۳۸.
- میرحسینی، سید محمد؛ نگس انصاری و لیلا قلندری (۱۳۹۳). «تحلیل ساختاری قسم در قرآن کریم (بررسی بیست جزء قرآن کریم)» **مجله پژوهش‌های قرآنی**، شماره ۲.
- نقی پورفر، ولی‌الله (۱۳۹۵). **بررسی شخصیت اهل بیت در قرآن**، تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- هاشم زاده هریسی، هاشم (۱۳۹۳). **شناخت سوره‌های قرآن**، تهران: انتشارات کتابخانه صدر.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: آقائی مهرداد، زارع زردینی مرضیه، کاوش‌هایی از نشانه‌های زیباشناختی در آیات قرآن کریم (مطالعه موردی قسّم و کاربردهای موضوعی آن)، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۵، شماره ۵۹، پاییز ۱۴۰۳، صفحات ۴۹-۶۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی